

شادی، عشق و جوان چرا فرار؟

فاطمه اقلیدی نژاد

شادی و نشاط، نیروهای استعداد‌های فراوان، کانون پرحرارتی نقش آفرینی در شناخت جوان از نیروهای درونی، قدر و شأن وجودی‌اش را روشن و با رعایت حدود و مرزهای الهی، رحمت خلوندی شامل حال او می‌گردد.

چنانکه امام علی علیه السلام می‌فرماید: (خدا رحمت کند کسی را که «قدر خود را» می‌شناسد و از «مرز خود» تجاوز ننماید قدرناشناسی و مرز شکنی به نا کامی از رحمت رحمانی می‌انجامد و چه تلخ کامی از این بالاتر؟ روح‌های لطیف و حساس در مواجهه با عوارض این صدمه روحانی، از همه حتی والدین می‌ترند و اقدام به فرار می‌کنند. اگر چه خاستگاه‌های متفاوت، منجر به تنوع و تعدد علت‌ها، در پدیده فرار گردیده است، اما حال، به بررسی خاستگاه‌های درونی و فردی می‌پردازیم.

رویارویی افراد با مشکلات متفاوت و به چهار شکل امکان‌پذیر می‌باشد:

شکل اول: با مهارتی که فرد در حل مشکلات دارا می‌باشد، به حل مشکل اقدام و برخوردی عاقلانه دارد.

شکل دوم: فرد با شرایط نمی‌سازد، واکنشی پر خاشگرانه داشته، منجر به عکس العمل مشابه از محیط می‌گردد.

شکل سوم: فرد تسلیم مشکل شده و هیچ تحرکی نمی‌کند، گوشه‌گیر و منزوی می‌گردد.

شکل چهارم: فردی است که از مشکلات می‌گریزد، محل را ترک می‌نماید.

مشکلات درونی یک نوجوان که باعث واکنش در شکل چهارم می‌گردد، به شرح ذیل بیان می‌شود.

۱) ماجراجویی

حس کنجکاوی از فطرت انسانی و دوره نوجوانی، اوج نیرومندی آن می‌باشد. بشر با این حس علوم را کشف و زندگی خود را سامان می‌دهد. هر سؤال اگر توأم با این حس گردد، به پاسخ نزدیک

می‌شود. برخی سؤالات، روح آدمی را متلاطم و ناآرام می‌سازد، نوجوان به دلیل داشتن روح لطیف و حساس، روانی پرخروش‌تر در مواجهه با سؤال خواهد داشت، خواستار یافتن پاسخ اساسی و صحیح است تا آرام گیرد. اگر خانه و مدرسه پاسخگوی او نگردند، او همچنان برای یافتن به جستجو در جای دیگری می‌پردازد. نوجوانی که نمی‌داند و نمی‌پذیرد، منبع مطمئن پاسخ‌هایش کجاست؟ خروش و جوشش‌های خاص دوران نوجوانی، او را از بهره‌برداری این حس، محروم می‌سازد.

حس کنجکاوی نیرومندی با هیجانات ویژه دوران توأم گردیده و همچون اسرارآمیز ماجراجویی را در جان او می‌ریزد. او دیگر نمی‌اندیشد، می‌خواهد هیجاناتش را بروز دهد، یک تصمیم می‌گیرد، بندها را می‌گسلد تا جستجوی پرهیجانش آغاز شود.

۲) زیاده‌خواهی

هر نهاد اجتماعی، مقررات و قوانین خاص خود را دارد، خانواده نیز به عنوان کوچک‌ترین نهاد اجتماعی مقررات و محدودیت‌های ویژه‌ای دارا می‌باشد.

اگر خانواده، امکانات و مقررات متعادل داشته باشد و نوجوان بیش از آن را خواستار گردد، خواسته‌وی زیاده‌خواهی تلقی می‌گردد.

حرص به عنوان صفتی زشت که در نهان جان آدمی است، شور و هیجان دوران نوجوانی این صفت را شعله‌ور ساخته، نوجوان را از حالت تعادل روانی خارج می‌سازد فشار روحی، گاه برای برخی نوجوانان به ویژه دختران غیر قابل تحمل است، روان دختران نوجوان به دلیل لطافت و ظرافت، دچار تلاطم و تشنج شده، انگیزه جنون‌آمیز فرار، درونش را فرا می‌گیرد.

۳) تجربه‌های ناگانی

کودکان نیز توانایی حل مشکلات خود را دارند. والدین نباید فرصت‌های گره‌گشایی را از فرزندان بگیرند، زیرا با حمایت بی‌مورد خود مهارتی را از آنان ربوده‌اند. ناتوانی کودک از حل مشکل و نداشتن مهارت لازم تا دوران نوجوانی با او ماندگار است.

نوجوان با شکست یا ناتوانی از حل مشکل، محیط خانواده را محل مناسب برای یافتن استقلال و کسب مهارت‌ها نمی‌داند. او همچنین به دلیل نداشتن تجربه و شناخت از روابط و مشکلات اجتماع، تصاویر ساده انگارانه از وضعیت جامعه، توهم برخورداری از امنیت و جذابیت‌های کاذب و ظاهری خارج از محدوده خانواده، انگیزه فرار را در وجودش بر می‌انگیزد.

۴) ارتباط با دوستان نامطلوب

جذابیت‌های رفتاری گروه همسالان مورد توجه نوجوان است و دختران به دلیل حساسیت‌های روانی بیشتر مجذوب می‌شوند. از سوی دیگر بنا به گفته دکتر «ابهری» خودنمایی «هیستر یونیک» از مشکلات دختران نوجوان می‌باشد. پیوستن عنصر «تقلید» به عناصر توجه و خودنمایی، باعث تغییر رفتار می‌گردد.

هتجار شکنی و مرز شکنی برای نوجوانان هیجان‌انگیز و قابل توجه است، اگر نوجوانی به تقلید از همسالان خود در مسیر شکستن مرزها و حدود روابط اجتماعی و قوانین جامعه قرار گیرد، لطمه‌های جبران‌ناپذیری به خود و جامعه تحمیل می‌گرداند. البته صدقات و زیان‌های بیشتر متوجه دختران نوجوان خواهد بود، زیرا شکستن حریم دنیای پاک دخترانه و باختن گوهر عفت، در جریان هتجار شکنی‌ها، برای جامعه پذیرفته نیست و چنین دختری موقعیت خانوادگی و اجتماعی خود را به یکباره از دست می‌دهد. تحمل چنین امری برای دختران سرشکسته غیر ممکن و در عالم سرگستگی انگیزه فرار بر جانش فرو می‌آید.

نتیجه:

احساساتی که منبع انگیزه فرار به شمار می‌آیند، می‌بایست با اراده و تصمیمات خود نوجوان تعدیل گردند، زیرا هر نوجوان علاوه بر این احساسات، از اراده و همت والاتری برخوردار است. همچنین عقل و اندیشه نیز در این دوران در او به بلوغ می‌رسد.

همزمان با بلوغ عقلی و گسترش ادراکات ذهنی نوجوان قادر است، مشکلات خود را با خانواده‌اش حل نماید، او قادر به تشخیص رفتار خوب یا بد همسالان می‌باشد.